

مقاله پژوهشی:

آزادی اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی

ghafari.mojtaba@chmail.ir

مجتبی غفاری / دکتری اقتصاد اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، استخراج شبکه مضامین آزادی اقتصادی، براساس بیانات رهبر معظم انقلاب است. با استفاده از روش تحلیل مضمون و بررسی چگونگی تحقق آن، یافته‌های زیر به دست آمده است. منظور از آزادی در غرب، آزادی سرمایه است، ولی در اسلام، فراهم شدن شرایطی است که همه افراد جامعه در چارچوب مشخص بتوانند آزادانه فعالیت اقتصادی انجام داده، از امکانات طبیعی و ثمره فعالیت خود بهره‌مند شوند. در نظام سرمایه‌سالار، عده معدودی آزادانه بر ثروت خود می‌افزایند، اما توده مردم امکان تولید ثروت به معنای حقیقی را ندارند. ثمره این نگرش، فقر اغلب مردم، تجمع ثروت در دست عده‌ای محدود و اداره حکومت توسط صاحبان سرمایه و به نفع آنهاست. در اقتصاد جامعه اسلامی، لزوم پیشرفت اقتصادی و تولید ثروت، آزادی اقتصادی را ضروری می‌سازد. در کنار حق فعالیت و تلاش اقتصادی آزاد برای همه افراد جامعه، حق کنترل و نظارت برای دولت نیز در نظر گرفته شده که بدون آن جامعه به طغیان، ظلم، بغی و فساد منتهی خواهد شد. به مقتضای آزادی اقتصادی، مسئولیت امور اقتصادی جامعه و سنگینی بار امور اقتصادی جامعه بر دوش مردم است. هر کس بسته به توانش موظف است به نیازهای اجتماعی کمک کند. بهترین راه تحقق آزادی اقتصادی، تحقق اقتصاد مقاومتی با مشخصه مردم بنیانی است.

کلیدواژه‌ها: آزادی اقتصادی، سرمایه‌سالاری، رهبر معظم انقلاب، ساختار اقتصادی، تحلیل مضمون.

طبقه‌بندی JEL: O15.

یکی از تفاوت‌های نظام‌های اقتصادی گوناگون، تعریف آنها از آزادی اقتصادی است. هرگونه تفاوت در تعریف این موضوع، موجب تفاوت‌هایی در نظام اقتصادی می‌شود. باید توجه داشت که آزادی اقتصادی از جمله مفاهیم ارزش‌محور است؛ بدین معنا که مبتنی بر هر مبنایی، معنای خاصی پیدا می‌کند. از این‌رو، در نظام‌های اقتصادی با مبانی گوناگون، برداشت‌های متفاوتی از این مفهوم وجود دارد. بنابراین، لازم است مطابق با مبانی اسلامی، آزادی اقتصادی تعریف و برای تحقق آن تلاش شود. لازم به یادآوری است که هرچند بحث آزادی، بحث دامنه‌داری است و از وجوه مختلف قابل بررسی است، اما در این مقاله صرفاً به بعد اقتصادی آن؛ یعنی آزادی اقتصادی پرداخته شده است.

هدف اصلی این پژوهش، استخراج شبکه‌ی مضامین آزادی اقتصادی از بیانات رهبری انقلاب با استفاده از روش تحلیل مضمون و چگونگی تحقق آن، براساس ساختار نظام اقتصادی است. در این راستا، مضامین فراگیر شامل اهمیت تعریف آزادی اقتصادی در اسلام، منشأ آزادی اقتصادی در اسلام و غرب، نتایج حاصل از آزادی اقتصادی در غرب، دلایل آزادی اقتصادی در اسلام، و ویژگی‌های آزادی اقتصادی در اسلام براساس بیانات رهبر فرزانه انقلاب، با استفاده از روش تحلیل مضمون استخراج و تبیین شده‌اند. در ادامه، ضمن ارائه پیشینه و روش تحقیق، شبکه‌ی مضامین آزادی اقتصادی، مستخرج از بیانات رهبری انقلاب اسلامی تبیین و سپس آزادی اقتصادی در اسلام و نظام سرمایه‌داری مقایسه و تعریفی از آزادی اقتصادی، براساس بیانات رهبری انقلاب اسلامی ارائه شده است. سرانجام چگونگی تحقق آزادی اقتصادی در ساختار نظام اقتصادی اسلام بررسی شده است.

پیشینه پژوهش

مطالعه مستقلی که به بررسی آزادی اقتصادی در اندیشه رهبری بپردازد، یافت نشد. غالب مطالعاتی که در مورد آزادی در اندیشه رهبری انجام شده، یا به صورت کلی به موضوع آزادی پرداخته‌اند و یا به آزادی سیاسی توجه کرده‌اند. برای مثال، مقاله «آزادی در آیین کلام رهبری» (حق‌پناه، ۱۳۷۸)، به بررسی کلی آزادی در اندیشه رهبری پرداخته است. علی‌پورگرچی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای به بررسی آزادی در اندیشه سیاسی رهبری پرداخته است. نصیری و لک‌زایی (۱۳۹۶)، به بررسی نسبت بین امنیت سیاسی و آزادی سیاسی، در اندیشه رهبری انقلاب پرداخته‌اند.

البته مطالعاتی در نقد آزادی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری وجود دارد. برای مثال، خادم‌علیزاده (۱۳۷۸)، به نقد و بررسی آزادی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری پرداخته است. در این مطالعه، تعریف و پیشینه آزادی اقتصادی مطرح و ادله طرف‌داران آزادی اقتصادی در سرمایه‌داری نقد شده است. برخی مطالعات نیز به بررسی آزادی اقتصادی در اسلام پرداخته‌اند. برای مثال، رجایی (۱۳۷۴) آزادی اقتصادی و

دخالت دولت را بحث کرده و معتقد است در اقتصاد اسلامی این دو مکمل یکدیگرند. میرمعزی (۱۳۸۷)، به بررسی آزادی‌ها و مسئولیت‌های اقتصادی مردم از دیدگاه اسلام پرداخته است. در این مطالعه، مبانی بینشی آزادی در دو نظام سرمایه‌داری و اسلامی تبیین و سپس، تعریف و قلمرو آزادی در اسلام بیان شده است. آن‌گاه قلمرو آزادی‌های اقتصادی و مسئولیت‌های اقتصادی تبیین شده است. در کتاب *مبانی اقتصاد اسلامی* (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲) نیز به بررسی آزادی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری و اسلامی پرداخته شده است. در این کتاب، آزادی اقتصادی به دو نوع واقعی و شکلی تقسیم‌بندی شده است. به نظر نویسندگان این کتاب، منظور از «آزادی واقعی» این است که نظام اجتماعی عوامل و شرایط عینی تحقق هرگونه فعالیت اقتصادی را فراهم کرده باشد. اما آزادی شکلی، به این معناست که مثلاً در موضوع خرید، قدرت خرید عملاً در اختیار فرد قرار نگیرد، ولی این فرد از نظر حقوقی، برای خرید آن کالا آزاد باشد (ر.ک: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲).

همان‌طور که بیان شد، هیچ‌یک از مطالعات به بررسی آزادی اقتصادی در اندیشه رهبری نپرداخته‌اند.

روش پژوهش

این پژوهش جزء مطالعات کیفی است. در این پژوهش، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. روش تحلیل مضمون، از جمله روش‌هایی است که مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی است و در طیف گسترده‌ای از مطالعات، می‌توان از آن استفاده کرد. از این‌رو، ابزار تحقیقاتی منعطف و مفیدی است که برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل، می‌توان از آن استفاده نمود. تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، تحلیل و استخراج الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند.

مطابق فرایند روش تحلیل مضمون، بیانات رهبری از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۸ فیش‌برداری شد. با تحلیل فیش‌ها، مضامین پایه استخراج شد. سپس، با تحلیل و دسته‌بندی مضامین پایه و تلخیص آنها، حول موضوعات مشخص‌تر، مضامین سازمان‌دهنده و سرانجام، با دسته‌بندی مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر استخراج شد. نتیجه استفاده از این روش، دستیابی به شبکه‌ای از مفاهیم، دارای سطح‌بندی است تا بتوان محورهای اصلی فرمایشات رهبری را شناسایی و کشف نمود.

شبکه مضامین آزادی اقتصادی

با تحلیل فرمایشات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، ۴۲ فیش، ۳۳ مضمون پایه، ۱۲ مفهوم سازمان‌دهنده و ۵ مضمون فراگیر استخراج شد. در جدول زیر، شبکه مضامین نمایش داده شده است.

جدول ۱: شبکه مضامین آزادی اقتصادی

ردیف	فیش بیانات	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	از مسئله آزادی اقتصادی در اسلام سوءاستفاده‌های زیادی شده است. از طرفی طرفداران مکاتب چپ سوءاستفاده کردند و گفتند اسلام طرفدار اقتصاد آزاد است و بنابراین طرفدار استثمار است (۱۳۶۶/۷/۲۴).	سوءاستفاده طرفداران مکاتب چپ از آزادی اقتصادی در اسلام	سوءاستفاده از آزادی اقتصادی در اسلام	
۲	یک عده هم عملاً سوء استفاده کردند؛ یعنی در سایه آزادی‌های اقتصادی در اسلام جیب‌های خودشان را پر کردند (۱۳۶۶/۷/۲۴).	سوءاستفاده عملی از آزادی اقتصادی		
۳	عده‌ای از افرادی که مایل بودند از اسلام دفاع کنند، اما تفکر عمیق اسلامی را هم درست نمی‌دانستند... از ترس حمله گروه‌های چپ، به کلی آزادی فعالیت اقتصادی در اسلام را نفی کردند (۱۳۶۶/۷/۲۴).	نفی آزادی اقتصادی توسط مدافعان کم‌مایه اسلام		اهمیت تعریف آزادی اقتصادی در اسلام
۴	اگر ما می‌گوییم و معتقدیم که آزادی اقتصادی در اسلام هست، این آزادی اقتصادی به هیچ وجه نباید تشبیه بشود به آزادی اقتصادی در دنیای سرمایه‌داری غرب. دو نوع چیز، دو نوع آزادی، دو نوع تلاش اقتصادی وجود دارد؛ آنچه که امروز در غرب هست... مورد قبول اسلام نیست و سرمایه‌داری به معنای غربی آن، به هیچ وجه از نظر اسلام امضاء و تأیید نشده، بلکه حتی با آن مبارزه و مقابله جدی هم در احکام فراوان صورت گرفته (۶۶/۷/۲۴).	تفاوت آزادی اقتصادی در اسلام با سرمایه‌داری	عدم فهم صحیح از آزادی اقتصادی در اسلام	
۵	آن کسانی که قدرت فعالیت و مانور اقتصادی دارند، اینها آزادند، هر چه خواستند تولید کنند، هر جور خواستند عرضه کنند، هر وقت خواستند توزیع کنند، هر جور خواستند بفروشند، هر جور خواستند مصرف کنند، این یقیناً نظر اسلام نیست (۱۳۶۶/۷/۲۴).			
۶	ریشه آزادی در غرب عبارت است از: خواست انسان، تمایلات انسان؛ وقتی می‌گوییم خواست و تمایلات انسان، مقصود همه، تمایلات عقلانی و منطقی هم نیست؛ یعنی انسان یک سلسله خواست‌ها دارد، تمایلات دارد، بعضی‌اش مهم است، بعضی‌اش حقیر است؛ بعضی‌اش منطقی است، بعضی‌اش بوج و واهی است، بعضی‌اش مربوط به مسائل شهوانی است، بعضی مربوط به مسائل فکری و روحی و چیزهای دیگر است (۱۳۶۵/۱۱/۱۹).	تمایلات انسان، ریشه آزادی اقتصادی در غرب		
۷	اگرچه در غرب می‌گویند که آزادی با قانون محدود می‌شود، اما خود آن قانون هم محصول آرزوها و تمایلات افراد است؛ قانون را کی در تمدن غربی و دموکراسی غربی معین می‌کند؟ اکثریت مردم؛ اکثریت مردم براساس چه چیزی به این قانون یا به این فرد یا به این دستگاه رأی می‌دهند؟ ... دلیل خوبی او انطباق با ارزش‌های انسانی لزوماً نیست؛ آرزوها و تمایلات اکثریت افراد جامعه، قانون را و نظام را به وجود می‌آورد (۱۳۶۵/۱۰/۱۹).	قانون محصول تمایلات افراد	ریشه آزادی اقتصادی در غرب	منشأ آزادی اقتصادی در اسلام و غرب
۸	ریشه این آزادی عبارت است از: خواست طبقات ممتاز جامعه، سرمایه‌دارها، صاحبان شرکت‌ها، صاحبان کارتل‌ها و تراست‌های فعال اقتصاد بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی (۱۳۶۵/۱۰/۱۹).	خواست طبقات ممتاز، ریشه آزادی اقتصادی در غرب		

	<p>ریشه آزادی اقتصادی در اسلام</p>	<p>جهان‌بینی توحیدی، ریشه آزادی اقتصادی در اسلام</p>	<p>ریشه آزادی در فرهنگ اسلامی، جهان‌بینی توحیدی است. اصل توحید با اعماق معانی ظریف و دقیقی که دارد، آزاد بودن انسان را تضمین می‌کند؛ یعنی هر کسی که معتقد به وحدانیت خداست و توحید را قبول دارد، باید انسان را آزاد بگذارد... پس ریشه آزادی در اسلام عبارت است از: شخصیت و ارزش ذاتی انسان که بنده هیچ کس غیر خدا نمی‌شود (۱۳۶۵/۱۰/۱۹).</p>	<p>۹</p>
		<p>آزادی اقتصادی متعلق به سرمایه‌دارها</p>	<p>در نظام‌های غربی اگر چه به حساب ادعا، به حساب قوانین معمولی و اساسی، مردم آزادند که فعالیت اقتصادی داشته باشند، اما در حقیقت این آزادی متعلق به همه مردم نیست. این منابع عظیم ثروت... اینچنین نیست که راحت در اختیار همه قشرهای جامعه قرار بگیرد و هر کسی بتواند بر روی آن بهره‌برداری و کار بکند و منتفع بشود. بلکه آن کسانی عملاً و واقعاً آزادند که دارای ثروت‌های انباشته و زیاد هستند که سررشته اقتصاد جامعه، بلکه حتی... سررشته سیاست جامعه و اداره جامعه در دست آنهاست. آنها هستند که در حقیقت از منابع ثروت استفاده می‌کنند و بر آنها تسلط و سیطره دارند و استفاده و بهره‌برداری را آنها می‌کنند و آنها فضا را برای استفاده عموم جامعه تنگ کردند (۱۳۶۶/۷/۲۴).</p>	<p>۱۰</p>
<p>نتایج حاصل از آزادی اقتصادی در غرب</p>	<p>فقر و شکاف طبقاتی</p>	<p>فقر و محرومیت</p>	<p>در جوامع سرمایه‌داری... اغلب مردم در یک فقر شدیدی هستند... در حالی که اجتماعات عظیمی از مردم دچار فقر و بیکاری و بیجایی و بی‌مسکونی و محرومیت از بیشتر مواهب زندگی هستند، یک عده معدودی آزادانه تلاش می‌کنند، فعالیت می‌کنند، ثروت درمی‌آورند، معادنی دارند، معادن دیگری را می‌گیرند؛ کارخانجاتی دارند، کارخانجات دیگری را ایجاد می‌کنند، دایر می‌کنند؛ زمین‌هایی دارند، زمین‌های دیگری را به آن اضافه می‌کنند؛ از دریاها استفاده می‌کنند، از همه منابع طبیعی در حقیقت یک عده معدود از جامعه استفاده می‌کنند. دیگران چه کسبه جزء، چه کارگران، چه کارگران معادن، چه کارگران کشاورزی، چه کارگران کارخانجات، در حقیقت ریزه‌خوارخوان آنها و استفاده‌کننده از زیادی ثروت آنها و گوشه سفره آنها هستند. خودشان امکان تلاش، امکان تولید، امکان بهره‌برداری، امکان کار سازنده، امکان تولید ثروت به آن معنای حقیقی ندارند (۱۳۶۶/۷/۲۴).</p>	<p>۱۱</p>
		<p>تبعیض در فرصت‌ها و استفاده از امکانات اقتصادی</p>	<p>این حدیث معروفی که از قول امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> نقل می‌شود که البته بنده سند آن را درست نمی‌دانم که می‌فرماید: «ما رأیت نعمة موفورة ألا و فی جانبها حق مضع»؛ یعنی هیچ جا هیچ نعمت فراوان و انباشته‌ای را ندیدم، مگر اینکه در کنار آن یک حق ضایع شده‌ای را دیدم... بعضی تصور کردند معنای این حدیث این است که هر جا نعمت زیادی هست، این در حقیقت زردی و غصب از یک عده است؛ پس در کنار آن غاصب، یک عده مردم ضعیف هستند بعد اشکال کردند به این حدیث که نه ما می‌بینیم کسانی ثروت‌هایی دارند که از راه زردی و غصب هم نیست، از راه تلاشی است. این نیست معنای حدیث. معنای حدیث به حسب آنچه که به ذهن بنده می‌آید، این است که آنجایی که نعمت فراوانی هست، ثروت زیادی هست، امکانات زیادی هست، خود ثروت، خود نعمت موفور، در حقیقت امکانات کسب درآمد بیشتر را به آن صاحب ثروت می‌بخشد و به همان نسبت این امکان را از دسترس دیگران دور نگه می‌دارد (همان).</p>	<p>۱۲</p>

	<p>سرمایه‌سالاری</p>	<p>تسلط سرمایه‌دارها بر امور جامعه</p>	<p>این چیزی که امروز در دنیای غرب وجود دارد که به اعتقاد بنده دنیای غرب را باید دنیای سرمایه‌سالاری گفت. کاپیتالیسم به معنای سرمایه‌داری، شاید خیلی دقیق نباشد؛ سرمایه‌گرایی، سرمایه‌سالاری، آقای سرمایه و سرمایه‌دار، آقای کمپانی‌ها و ثروتمندها و پولدارها بر امور جامعه، این است که شاخصه بزرگ دنیا سرمایه‌داری غرب را امروز به وجود آورده و این هم از نظر اسلام مردود است و هر چیزی که به این منتهی بشود، باید جلوش گرفته بشود (۱۳۶۶/۷/۲۴).</p>	<p>۱۳</p>
			<p>سرمایه‌دارهای بزرگ در حقیقت اداره‌کنندگان حقیقی و دست‌های پشت پرده در نظام سیاسی کشورهای بزرگند. البته بعضی از عناصرشان در داخل حکومت‌ها هم راه پیدا می‌کنند... تعیین رئیس‌جمهور با کمک آنهاست، پیش رفتن و پس رفتن یک شخصیت در صحنه سیاست، در سنا، در مجلس نمایندگان در اختیار آنهاست، قوانینی که وضع می‌شود، با نظر آنهاست، طبق مصلحت آنهاست (۱۳۶۶/۷/۲۴).</p>	<p>۱۴</p>
	<p>لزوم پیشرفت اقتصادی و تولید ثروت در اسلام</p>	<p>پیشرفت اقتصادی جزء اهداف اسلام</p>	<p>تلاش برای رشد و توسعه و اعتلای جنبه اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بلاشک جزو هدف‌های اسلامی است (۱۳۸۳/۰۶/۲۵).</p>	<p>۱۵</p>
		<p>لزوم فعالیت اقتصادی گسترده در نظام اسلامی</p>	<p>نظام اسلامی، یک جامعه فقیر نمی‌خواهد. یک ملت فقیر و یک درآمد عمومی ناچیز نمی‌خواهد. از ثروت‌ها استفاده می‌کند؛ علم را پیشرفت می‌دهد، منابع زیرزمینی را استخراج می‌کند، انسان‌ها را به رشد عقلانی می‌رساند، تجارت می‌کند و صنعت راه می‌اندازد. تاریخ اسلام نشان داد که اسلام به برکت همین احکام نورانی، در یک دوره طولانی، صاحب علم و صنعت در کل جهان بوده است (۱۳۳۶/۰۵/۱۲).</p>	<p>۱۶</p>
<p>دلایل آزادی اقتصادی در اسلام</p>	<p>لزوم پیشرفت و تولید ثروت در کشور</p>	<p>لزوم پیشرفت و تولید ثروت در کشور</p>	<p>کشور باید پیشرفت کند؛ پیشرفت در همه بخش‌ها: پیشرفت در تولید ثروت... (۱۳۸۷/۱/۱).</p>	<p>۱۷</p>
		<p>عدم تحقق اهداف، بدون حضور مردم</p>	<p>محاسبه کردند که مبلغ موردنیاز برای سرمایه‌گذاری در این پنج سال، سالی حدود ۱۶۰ میلیارد دلار است. این از عهده دولت بر نمی‌آید؛ حتماً بایستی بخش خصوصی وارد شود و همکاری کند؛ این باید تحقق پیدا کند (۱۳۹۰/۵/۲۶).</p>	<p>۱۸</p>
	<p>لزوم پیشرفت و تولید در کشور</p>	<p>رشد اقتصادی مایه اقتدار و آبروی بین‌المللی</p>	<p>رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا می‌کند (۱۳۹۱/۰۵/۰۳).</p>	<p>۱۹</p>
		<p>حیات و بقای جامعه در گروی تولید و ایجاد ثروت</p>	<p>اگر تولید نباشد، اگر ایجاد ثروت نباشد، حیات و بقای جامعه به خطر خواهد افتاد، اقتدار لازم را جامعه به دست نخواهد آورد (۱۳۸۷/۰۲/۱۴).</p>	<p>۲۰</p>
		<p>ممدوح بودن تولید ثروت</p>	<p>تولید ثروت فی‌نفسه ممدوح است (۱۳۸۵/۱۱/۳۰).</p>	<p>۲۱</p>
<p>ویژگی‌های آزادی اقتصادی در اسلام</p>	<p>داشتن حق فعالیت اقتصادی برای هر کس</p>	<p>میدان باز و وسیع فعالیت اقتصادی در اسلام</p>	<p>در اقتصاد جامعه اسلامی... مردم در فعالیت‌های اقتصادی میدان باز و وسیعی دارند و آزادی‌های زیادی دارند و هر کسی این حق را دارد که فعالیت و تلاشی اقتصادی بکند (۱۳۶۶/۱۰/۱۱).</p>	<p>۲۲</p>

محدودیت‌های آزادی اقتصادی در اسلام	وجود مرزهایی برای آزادی اقتصادی در اسلام	فعالیت اقتصادی در جامعه اسلامی گفتیم آزاد است؛ اما نه آزاد مطلق، حدودی دارد، مرزهایی دارد، این مرزها - که طبیعی هم هست که هرگونه حرکت و فعالیت آزادی بالاخره یک حدودی داشته باشد - در مکتب اسلام مرزهای بخصوصی است (۱۳۶۶/۸/۱۵).	۲۳
	تفاوت مرزهای آزادی اقتصادی در اسلام با جوامع سوسیالیستی	در جوامع سوسیالیستی هم یک نوع مرز برای داشتن مال و ثروت هست؛ آن مرزها با مرزهای اسلامی متفاوت است (۱۳۶۶/۸/۱۵).	۲۴
	کسب‌ها و تصرفات حرام، مرز فعالیت آزاد	در جامعه اسلامی مرز فعالیت آزاد همان چیزهایی است که به صورت کسب‌های حرام و تصرفات حرام در مال در کتب فقهیه معین و مشخص شده؛ یعنی معامله ربوی حرام است، معامله ناشی از غرر و جهالت حرام است، معامله‌ای که در آن فریب کسی باشد حرام است، معامله‌ای که در آن اضرار بر دیگران باشد ممنوع و حرام است، معامله‌ای که ناشی از درآمدهای نامشروع باشد حرام است، احتکار که موجب ثروتمندی بعضی می‌شود و معاملات ناشی از آن حرام است و از این قبیل چیزهایی که در شرع مقدس اسلام هست که اینها حدود معامله‌گری و فعالیت آزاد اقتصادی در جامعه اسلامی است. بعضی از اجناس و اشیاء، معامله آنها حرام است؛ مثلاً خمر یا چیزهای حرام و نجس در مواردی - غیر از موارد استثنائی - معامله آنها حرام است؛ یا بعضی از اموالی که متعلق به شخص نمی‌شود و متعلق به دولت اسلامی است مثل انفال، معامله آنها، جز در یک مورد استثنائی، برای افراد و برای بخش خصوصی، حرام است و از این قبیل مواردی هست در فقه اسلام که روشن و واضح و معین کرده که این فعالیت آزاد شما ولو آنجایی که نظارت و کنترل دولت هم آن را منع نمی‌کند، تا کجا جایز است و تا کجا جایز نیست و ممنوع و حرام است (۱۳۶۶/۸/۱۵).	۲۵
	ممنوعیت سرمایه‌سالاری	هیچ‌گاه اجازه داده نمی‌شود در اسلام که فعالیت آزاد اقتصادی موجب دست‌درازی به سرنوشت سیاسی جامعه و دخالت در بافت سیاسی و تشکیلات سیاسی جامعه بشود؛ سرمایه‌سالاری. آن چیزی که امروز در کشورهای سرمایه‌داری غرب به قوت هرچه تمام‌تر وجود دارد (۱۳۶۶/۷/۲۴).	۲۶
	کنترل و نظارت دولت	در جامعه اسلامی مقبول نیست و پولدار و سرمایه‌دار و طبقه اشراف نباید به آن حدی برسند و سرمایه آنچنان قدرتی در جامعه پیدا کند که یک عده پولدار و ثروتمند و گردن‌کلفت در مسائل سیاسی جامعه دخالت کنند؛ وکیل بیاورند، وکیل ببرند، قدرتمندان را بیاورند، رئیس‌جمهور بیاورند، سیاستمدارها را عوض کنند، سیاست‌ها را دیکته کنند، قانون‌ها را بر قوه قانونگذار تحمیل کنند؛ این هم در جامعه اسلامی به‌هیچ‌وجه مقبول نیست و هر چیزی که به اینجا منتهی بشود، یک خطر و واجب‌الاجتناب است (۱۳۶۶/۸/۱۵).	۲۷
	اسلام در کنار آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی که به همه افراد جامعه اعطا کرده و داده، نظارت و کنترل دقیق دستگاه حاکمیت را هم بر همه اینها لازم دانسته (۱۳۶۶/۷/۲۴).	۲۸	

			<p>۲۹ در اقتصاد جامعه اسلامی اگر چه مردم در فعالیت‌های اقتصادی میدان باز و وسیعی دارند و آزادی‌های زیادی دارند و هر کسی این حق را دارد که فعالیت و تلاش اقتصادی بکند، اما در کنار این حق و اختیار برای مردم یک اختیار و حقی هم برای دولت اسلامی و قدرت حاکم بر جامعه اسلامی قرار داده شده است و آن حق کنترل و نظارت و مراقبت است (۱۳۶۶/۱۰/۱۱).</p> <p>۳۰ همه انواع آزادی در جامعه اسلامی باید به وسیله قدرت حاکم اسلامی در جامعه کنترل و هدایت و نظارت بشود. این کنترل برای چیست؟ برای این است که این آزادی به فساد منتهی نشود؛ این آزادی موجب سلب آزادی دیگران نشود... در آزادی اقتصادی هم همین جور است (۱۳۶۶/۷/۲۴).</p> <p>۳۱ اگر این حق برای حاکم اسلامی نباشد و مردم بدون نظارت دولت و بدون رعایت سیاست‌های دولت تلاش اقتصادی را شروع کنند و انجام بدهند، این یقیناً در جامعه به طغیان، به ظلم، به بغی، به فساد منتهی خواهد شد و همان وضعی پیش خواهد آمد که در دنیای سرمایه‌داری هست که سلاطین فولاد و طلا و نفت و صاحبان کمپانی‌های بزرگ از قدرت و ثروت بی‌نهایت برخوردارند و قشر بزرگی از مردم هم از اولیات زندگی، یعنی از خانه و خانواده و شام شب و لباس نگهدارنده از سرما و گرما محرومند (۱۳۶۶/۱۰/۱۱).</p> <p>۳۲ اگر نظارت دولت اسلامی و حاکمیت اسلام نباشد، قانون اسلامی به‌خودی‌خود، نمی‌تواند معجزه بکند. قانون هنگامی کاربرد دارد و مؤثر است که بالای سر قانون، یک دست قوی و نیرومندی باشد و آن دولت اسلامی است. ... در زمینه مسائل اقتصادی هم عیناً همین قدرت و همین حاکمیت متعلق به جمهوری اسلامی است؛ متعلق به دولت و حاکم نظام جمهوری اسلامی است. اینجا هم غیر از دستگاه قانون‌گذاری که قانون را وضع می‌کند و غیر از قوه قضاییه که وقتی شکایتی بشود یا وقتی تخلفی از قانون بشود، به سراغ متخلف خواهد رفت و جرم و جنایتی انجام بگیرد، مجرم را مجازات خواهد کرد، خود دولت اسلامی هم با اعمال قدرت و با حضور دائمی و با رابطه مستمر با قشرهای مردم، باید از تخلفات آنها جلوگیری بکند. ... اگر مجری دستش باز نبود و توان اعمال قدرت نداشت، قانون را پراحتی زیر پا می‌گذارند (۱۳۶۶/۱۰/۱۱).</p>
	<p>مسئولیت‌های مردم، ناشی از آزادی اقتصادی</p>	<p>مسئولیت امور اقتصادی جامعه بر دوش مردم</p>	<p>۳۳ در اقتصاد آزاد اسلامی به مقتضای آزادی اقتصادی، مسئولیت امور اقتصادی جامعه و سنگینی بار امور اقتصادی جامعه هم بر دوش مردم است. در کشورهای سوسیالیستی اینجوری نیست؛ در کشورهای سوسیالیستی و در نظام دولت‌سالاری که دولت همه کارخانجات، زمین‌ها و دستگاه‌های تولید ثروت را و تولید را در اختیار دارد، مردم کارمندان دولت هستند... اما در نظام اسلامی اینجوری نیست (۱۳۶۶/۷/۲۴).</p> <p>۳۴ چون همه مردم در یک سطح نیستند، آن کسانی که بهره‌مندی بیشتری دارند، امکانات بیشتری دارند، تکلیف بیشتر بر عهده آنهاست (۱۳۶۶/۷/۲۴).</p>
		<p>مسئولیت به تناسب بهره‌بندی</p>	

	<p>انفاق و دادن مال و اداره امور نیازهای اقتصادی و پر کردن خلأهای اقتصادی مستقیماً بر دوش ملت و مردم است و آحاد مردمی است که کارهای اقتصاد جامعه و فعالیت آزاد اقتصادی را در جامعه دارا هستند. این یک اصل اسلامی است. این یکی از وظایف و فرایضی است که بر دوش مردم هست (۱۳۶۶/۷/۲۴).</p>	<p>۳۵</p>
<p>انفاق و پر کردن خلأهای اقتصادی توسط مردم</p>	<p>جمع ثروت و عدم انفاق از نظر اسلام یک ضد ارزش و یک گناه و شاید یک گناه کبیره است. اینچنین نیست که چون کار با سرمایه جایز و مباح هست، پس بنابراین انسان حق دارد - ولو از طرق مشروع و حلال - ثروتی را جمع کند و آن را نگه دارد، درحالی که جامعه به ثروت او و به امکانات او و به دارایی او احتیاج دارد، آن را در راه مصالح عمومی و در راه خدا خرج نکند؛ این جایز باشد و مباح باشد، چنین چیزی نیست. در اسلام انفاق یک اصل است... عدم انفاق منفور و مذموم است و اگر با جمع ثروت همراه باشد، حرام است (۱۳۶۶/۸/۱۵).</p>	<p>۳۶</p>
	<p>بحث مسئولیت عمومی به تناسب امکانات و به تناسب بهره‌مندی‌ها در مقابل نیازهای عموم جامعه اسلامی به صورت تعارف این حرف را نمی‌زند، این یک وظیفه است، یک تکلیف است، نه فقط یک حکم اخلاقی. این همه آیات انفاق در قرآن بیان یک حکم اخلاقی نیست، بیان یک فریضه شرعی است. شما ببینید لحن «انفقوا» در قرآن همان لحن «جاهدوا فی سبیل الله» است. «انفقوا فی سبیل الله»، «جاهدوا فی سبیل الله»، یک جور حرف زده؛ یک جور مردم را مخاطب قرار داده (۱۳۶۶/۷/۲۴).</p>	<p>۳۷</p>
	<p>این نمی‌شود که در جامعه اسلامی کسانی کسب مال و ثروت بکنند و تصور بکنند که آنچه دارند، «آئنا اوتیتوه علی علم»، حرف قارون را بزنند... در منطق اسلام، مسئله این است که همه موظفند به نیازهای اجتماعی کمک کنند (۱۳۶۶/۸/۲۹).</p>	<p>۳۸</p>
	<p>پس برای اینکه در جامعه تعادل ثروت به وجود بیاید، جامعه دو قطبی از لحاظ ثروت نشود، اسراف و فساد مالی به وجود نیاید، فقر به وجود نیاید، بهترین راه و موفق‌ترین شیوه‌ها همین شیوه انفاق است... همچنانی که جهاد با نفس واجب است، پس جهاد با مال هم واجب است (۱۳۶۶/۸/۲۹).</p>	<p>۳۹</p>
<p>بهترین راه تأمین آزادی اقتصادی</p>	<p>وضع قوانین به نحوی که همه افراد جامعه بتوانند آزاده فعالیت اقتصادی انجام دهند</p>	<p>۴۰</p> <p>بهترین راه برای اینکه آزادی اقتصادی تأمین بشود در یک جامعه اسلامی، این است که حکومت اسلامی و دولت اسلامی سیاستی اتخاذ بکنند و قوانینی وضع بکنند که بر طبق آن قوانین همه افراد در جامعه اسلامی قادر باشند آزاده فعالیت اقتصادی کنند (۱۳۶۶/۷/۲۴).</p>
	<p>امکان استفاده برابر همه افراد جامعه از امکانات طبیعی، و انفال،</p>	<p>۴۱</p> <p>راه اینکه ما اقتصاد آزاد را به معنای حقیقی خودش در جامعه به وجود بیاوریم، این است که از این انحصار جلوگیری کنیم. امکانی در جامعه به وجود بیاید که اغلب افراد جامعه، بیشتر قشرهای جامعه یا همه کسانی که قدرت کار دارند، اینها بتوانند از امکانات طبیعی، از زمین، از دریا، از انفال، از دست‌هاست، از مراتع استفاده کنند (۱۳۶۶/۷/۲۴).</p>
	<p>بهره‌مندی همه افراد جامعه از ثمره فعالیت اقتصادی خود</p>	<p>۴۲</p> <p>همه قشرهای مردم از فعالیت اقتصادی خود بتوانند بهره‌مند بشوند (۱۳۶۶/۷/۲۴).</p>

تبیین مضامین آزادی اقتصادی

مضامین استخراج شده جدول فوق به اختصار تبیین می‌شوند.

اهمیت تعریف آزادی اقتصادی در اسلام

دو دلیل برای اهمیت تعریف آزادی اقتصادی وجود دارد: اولاً، سوءاستفاده‌های زیادی از آزادی اقتصادی در اسلام شده است. ... عدم تعریف درست از آزادی اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام، موجب سوءبرداشت‌ها و سوءاستفاده‌هایی، هم از سوی دیگر مکاتب و هم از سوی فرصت‌طلبان، شده است. دلیل دوم، عدم فهم صحیح از آزادی اقتصادی در اسلام است. عده‌ای از افرادی که مایل بودند از اسلام دفاع کنند، اما تفکر عمیق اسلامی را درست نمی‌دانستند از ترس حمله گروه‌های چپ بکلی آزادی فعالیت اقتصادی در اسلام را نفی کرده‌اند. این افراد به این نکته توجه نداشتند که آزادی اقتصادی در اسلام، به هیچ وجه نباید به آزادی اقتصادی در دنیای سرمایه‌داری غرب تشبیه شود. ... آزادی اقتصادی در غرب، به این معناست که آن کسانی که قدرت فعالیت و مانور اقتصادی دارند، اینها آزادند، هرچه خواستند تولید کنند، هر طور خواستند عرضه کنند، هر وقت خواستند توزیع کنند، هر طور خواستند بفروشند و هر طور خواستند مصرف کنند. این آزادی اقتصادی یقیناً نظر اسلام نیست (بیانات رهبری، ۱۳۶۶/۷/۲۴). بنابراین، برای جلوگیری از سوءاستفاده و همچنین، تفاوت جدی آزادی اقتصادی در اسلام با غرب، لازم است تعریف و تبیین دقیقی از آزادی اقتصادی ارائه شود؛ تا از این رهگذر برای تحقق آزادی اقتصادی در نظام اسلامی تلاش شود.

منشأ آزادی اقتصادی در غرب و اسلام

منشأ و ریشه آزادی اقتصادی در غرب و اسلام متفاوت است. ریشه آزادی در غرب، خواست و تمایلات انسان است. منظور از خواست و تمایلات انسان، الزاماً تمایلات عقلانی و منطقی نیست. تمایلات انسان، طیفی از تمایلات عقلانی، منطقی، شهوانی و خواست‌های پوچ و واهی را شامل می‌شود. بنابراین، تمایلات اکثریت، الزاماً با ارزش‌های انسانی منطبق نیست. از این رو، می‌گویند: آزادی با قانون محدود می‌شود. اما قوانین نیز محصول همان تمایلات افراد است. در واقع آرزوها و تمنیات اکثریت افراد جامعه، قانون و نظام را به وجود می‌آورد (بیانات رهبری، ۱۳۶۵/۱۱/۱۹). البته این گفته که ریشه آزادی در غرب، خواست و تمایلات انسان است، ظاهر موضوع در غرب است و واقعیت متفاوت است؛ زیرا رأی و میل اکثریت را دسته مخصوصی از مردم به وجود می‌آورند. در واقع ریشه آزادی در غرب، خواست طبقات ممتاز جامعه، سرمایه‌دارها، صاحبان شرکت‌ها، صاحبان کارتل‌ها و تراست‌های فعال اقتصاد بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی است که می‌توانند از طریق رسانه‌های در اختیار، افکار عمومی را مدیریت کنند (بیانات رهبری، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹).

در مقابل، ریشه آزادی در فرهنگ اسلامی، جهان‌بینی توحیدی است. اصل توحید با اعماق معانی ظریف و دقیقی که دارد، آزاد بودن انسان را تضمین می‌کند؛ یعنی هر کسی که معتقد به وحدانیت خداست و توحید را قبول دارد، باید انسان را آزاد بگذارد. بنابراین، ریشه آزادی در اسلام عبارت است از: شخصیت و ارزش ذاتی انسان که بنده هیچ کس غیر خدا نمی‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹).

نتایج حاصل از آزادی اقتصادی در غرب

همان‌طور که بیان شد، نظام‌های مختلف اقتصادی مبتنی بر مبانی خود، نگاه‌های متفاوتی به آزادی اقتصادی دارند. هرگونه تعریف از آزادی اقتصادی و پیگیری آن، تبعات و نتایجی را در حوزه‌های گوناگون نظام اقتصادی و اجتماعی در پی دارد. برای مشخص شدن تفاوت‌های آزادی اقتصادی در غرب با اسلام، لازم است به بررسی نتایج حاصل از آزادی اقتصادی در غرب در اندیشه رهبری بپردازیم.

فقر و شکاف طبقاتی

یکی از مهم‌ترین نتایج آزادی اقتصادی در غرب، ایجاد نابرابری شدید است. شاید بتوان یکی از اعتراض‌ها به آزادی اقتصادی در غرب را جنبش وال استریت دانست. فریاد طرفداران این جنبش، این است که چرا بیشتر ثروت آمریکا در دست یک درصد است و تصمیم‌ها نیز توسط همین یک درصد گرفته می‌شود. بقیه مردم، ۹۹ درصد، عملاً در سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود نقش زیادی ندارند (سلیمی، ۱۳۹۰). البته از این نوع جنبش‌ها، فراوان در تاریخ نظام سرمایه‌داری اتفاق افتاده است. برای نمونه، در سال ۱۹۹۸ در ایالات متحده، دانشجویان در بسیاری از دانشگاه‌ها، علیه شرایط استعمارگرانه کارگران بوسیله اکثر شرکت‌های بزرگ، دست به اعتراض زدند (بیرچام و چارلتون، ۱۳۸۳). در کنار جنبش‌های به راه افتاده، آمار و پژوهش‌های انجام‌شده نیز نتایجی از این نوع آزادی را بیان می‌کنند: پیکتی در کتاب *پرفروش سرمایه در قرن بیست و یکم*، به ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری طی ۳۰۰ سال اخیر پرداخته و تمرکز آن بیشتر بر مسئله نابرابری بوده است. بنابر تحلیل پیکتی، نظام سرمایه‌داری در مسیر یک طرفه نابرابری فزاینده در حال حرکت است که نتیجه آن نظام سرمایه‌داری موروثی قرن ۱۸ و ۱۹ است (آتش‌بار وزمانی، ۱۳۹۳، ص ۱).

گزارش سال ۲۰۱۷ مؤسسه آکسفام عنوان می‌کند که شکاف میان ابرثروتمندان و سایر مردم جهان در سال ۲۰۱۷ افزایش یافته و اقلیتی کوچک، همچنان صاحب بخش بزرگی از ثروت جهان است. به طوری که حدود ۸۲ درصد ثروت تولید شده در سال ۲۰۱۷، در اختیار یک درصد از ثروتمندترین افراد جهان قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۷، ثروت هشت نفر از ثروتمندترین مردم جهان، با ثروت ۵۰ درصد جمعیت فقیرتر جهان برابر است (گزارش آکسفام، ۲۰۱۸).

بنابراین، آزادی اقتصادی در غرب موجب نابرابری بسیار زیادی شده است. رهبر فرزانه انقلاب نیز به نابرابری ایجاد شده در اثر آزادی اقتصادی در غرب اشاره کرده‌اند. همان‌طور که بیان شد، مطابق بیان ایشان، آزادی

اقتصادی در غرب، عبارت است از: وضعیتی که در آن کسانی که قدرت فعالیت و مانور اقتصادی دارند، آزادند هر فعالیت اقتصادی انجام دهند (بیانات رهبری، ۱۳۶۶/۷/۲۴). مطابق این بیان، آزادی اقتصادی در غرب، برای کسانی است که قدرت فعالیت اقتصادی دارند و می‌توانند هر طور خواستند تولید، توزیع و مصرف کنند.

در تعاریف آزادی اقتصادی در غرب، قسمت اول تعریف بالا را نادیده می‌گیرند، ولی به قسمت دوم اشاره می‌کنند. برای مثال، بنیاد هریتیج (Heritage Foundation)، آزادی اقتصادی را این‌گونه تعریف می‌کند: نبود تحمیل یا محدودیت بر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات (جانسون و همکاران، ۱۳۷۹). در واقع در غرب، بر حسب قوانین معمولی و اساسی، مردم آزادند فعالیت اقتصادی داشته باشند؛ اما در حقیقت این آزادی متعلق به همه مردم نیست. این‌گونه نیست منابع عظیم ثروت مثل دریاها، منابع طبیعی، دشت‌های حاصلخیز، معادن و... راحت در اختیار همه قشرهای جامعه قرار گیرد و هر کسی بتواند بر روی آن کار کند و منتفع شود، بلکه آن کسانی عملاً و واقعاً آزادند که دارای ثروت‌های انباشته و زیاد هستند و سررشته اقتصاد و حتی سیاست و اداره جامعه در دست آنهاست (بیانات رهبری، ۱۳۶۶/۷/۲۴).

بنابراین، مطابق بیان رهبری، منظور از آزادی در غرب، آزادی سرمایه است و این سرمایه‌دار است که آزادانه به فعالیت اقتصادی می‌پردازد و از سود آن بهره‌مند می‌شود. بنابراین، توده مردم به واسطه سلطه سرمایه‌داران از این آزادی بهره‌مند نیستند. از نظر ایشان، در جوامع سرمایه‌داری درحالی‌که اجتماعات عظیمی از مردم دچار فقر، بیکاری و بی‌مسکنی هستند، یک عده معدود آزادانه تلاش می‌کنند و بر ثروت خود می‌افزایند. اما دیگران من جمله کسبه جزء، کارگران معادن، کارگران کشاورزی، کارگران کارخانجات و... ریزه‌خوار خوان آنها هستند. اینها امکان تولید، بهره‌برداری و تولید ثروت به معنای حقیقی را ندارند (بیانات رهبری، ۱۳۶۶/۷/۲۴).

نکته مهم در این زمینه، استفاده از فرصت‌هاست. در واقع هر کسی سرمایه بیشتری داشته باشد، فرصت‌های بیشتری در اختیار او قرار دارد. از این رو، می‌توان گفت: ثروت، ثروت می‌آورد. کسانی که پول‌دار شده‌اند، پول و رابطه دارند تا در فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری کنند و بر ثروت خود بیفزایند (تارو، ۱۳۷۶، ص ۳۰۹). رهبری نیز به این نکته اشاره می‌کند. ایشان به حدیث «ما رأیت نعمة موفورة إلا و فی جانبها حق مضیع» (خسروشاهی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۵۱): که متناسب به امیرالمؤمنین علیه السلام است، اشاره می‌کنند. برخی این معنا را از این حدیث برداشت کرده‌اند که هر جا ثروت زیادی هست، دزدی و غصبی اتفاق افتاده است. از نظر رهبری، معنای حدیث این نیست. بلکه این حدیث به این معناست که هر جا ثروت و امکانات زیادی است، این ثروت و امکانات، امکان کسب درآمد بیشتر را برای صاحب ثروت فراهم می‌آورد و به همین نسبت این امکان را از دیگران سلب می‌کند.

مسئله بسیار مهم در اینجا این است که تحلیل شود چرا به‌رغم ادعای آزادی اقتصادی، مردم آزادی اقتصادی ندارند و همه آزادی اقتصادی برای سرمایه‌داران است. لازم است این امر به لحاظ ساختار و ویژگی‌های نظام اقتصادی سرمایه‌داری تبیین شود. این موضوع، در قسمت ساختار اقتصادی توضیح داده شده است.

سرمایه‌سالاری و آقایی سرمایه

رهبری به نتایج این نوع آزادی اقتصادی در سیاست نیز پرداخته‌اند. از نظر ایشان، سرمایه‌دارهای بزرگ اداره‌کنندگان حقیقی و دست‌های پشت پرده در نظام سیاسی کشورهای بزرگ هستند. حتی برخی از این سرمایه‌دارها، در داخل حکومت‌ها نیز راه پیدا می‌کنند و تعیین رئیس‌جمهور و مسئولین و وضع قوانین مطابق میل آنها انجام می‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۶۶/۷/۲۴). قدرت سرمایه به حدی است که بسیاری از سرمایه‌داران بزرگ در امریکا، قادرند به طور قانونی از پرداخت هر گونه مالیات بر درآمد اجتناب ورزند. برای مثال، *رونالد ریگان* و *نلسون راکفلر*، که هر دو میلیونر بوده‌اند، در سال ۱۹۷۰ هیچ مالیات بر درآمدی پرداخت نکردند. گزارش‌های خزانه‌داری امریکا نشان می‌دهد که هر ساله، صدها نفر از ثروتمندترین افراد این کار را انجام می‌دهند (لنسکی، ۱۳۶۹، ص ۴۴۷). در واقع در جهان امروز، قدرت سرمایه می‌تواند فراتر از هر قدرت موجود یا تصورپذیر سیاسی یا نظامی باشد (سینوود، ۱۳۸۸، ص ۲۰). براین‌اساس، از نظر رهبری، دنیای غرب را باید دنیای سرمایه‌سالاری نامید. از نظر ایشان، ترجمه کاپیتالاسیم به معنای سرمایه‌داری خیلی دقیق نیست، سرمایه‌گرایی، سرمایه‌سالاری، آقایی سرمایه و سرمایه‌دار، آقایی کمپانی‌ها و ثروتمندها و پولدارها بر امور جامعه، این است که شاخصه بزرگ دنیای سرمایه‌داری غرب را امروز به وجود آورده و این از نظر اسلام مردود است و هر چیزی که به این منتهی بشود، باید جلوش گرفته شود (بیانات رهبری، ۱۳۶۶/۷/۲۴).

بنابراین، مطابق بیانات رهبری انقلاب، فقر اغلب مردم، تجمع ثروت در دست عده‌ای معدود و اداره حکومت توسط صاحبان سرمایه و به نفع آنان، از مهم‌ترین نتایج آزادی اقتصادی از نوع غربی آن هستند.

آزادی اقتصادی در اسلام از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب

دلایل آزادی اقتصادی در اسلام

دو دلیل برای آزادی اقتصادی در اسلام، در بیانات رهبری انقلاب، می‌توان یافت. دلیل اول، لزوم پیشرفت اقتصادی و تولید ثروت در اسلام است. از نظر ایشان پیشرفت اقتصادی، بلاشک یکی از اهداف اسلامی است (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۶/۲۵). در واقع نظام اسلامی نه‌تنها یک جامعه و ملت فقر نمی‌خواهد، بلکه از ثروت‌ها استفاده می‌کند؛ علم را پیشرفت می‌دهد؛ منابع زیرزمینی را استخراج می‌کند، انسان‌ها را به رشد عقلانی می‌رساند، تجارت می‌کند و صنعت راه می‌اندازد. تاریخ اسلام نشان داد که اسلام به برکت همین احکام نورانی، در یک دوره طولانی، صاحب علم و صنعت در کل جهان بوده است (همان، ۱۳۷۶/۰۵/۱۲). بدون آزادی اقتصادی و حضور مردم در اقتصاد، دستیابی به چنین پیشرفت‌هایی غیرممکن است (همان، ۱۳۹۰/۵/۲۶).

دلیل دوم، لزوم پیشرفت کشور در تولید است (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۱/۱). رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار است. با رشد تولید، کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا می‌کند (همان، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳). در مقابل، اگر تولید و ایجاد ثروت نباشد، حیات و بقای جامعه به خطر خواهد افتاد (همان، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴). بنابراین، تولید ثروت فی‌نفسه ممدوح است (همان، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰). لازمه ایجاد ثروت و رونق تولید در کشور، آزادی در فعالیت‌های اقتصادی است.

ویژگی‌های آزادی اقتصادی در اسلام

داشتن حق فعالیت اقتصادی برای هر کس

در اقتصاد جامعه اسلامی، مردم در فعالیت‌های اقتصادی میدان باز و وسیعی دارند و آزادی‌های زیادی دارند و هر کسی این حق را دارد که فعالیت و تلاش اقتصادی بکند (بیانات رهبری، ۱۳۶۶/۱۰/۱۱).

محدودیت‌های آزادی اقتصادی در اسلام

هیچ‌یک از مکاتب بشری معتقد به آزادی مطلق در انواع مختلف آزادی نیستند. انواع آزادی از طرق مختلف مثل قوانین، قراردادها، اخلاقیات و... محدود می‌شوند. در اسلام نیز آزادی‌های مختلف از جهاتی محدود می‌شوند. این محدودیت‌ها، در واقع به منظور تأمین آزادی وضع می‌شوند. در نتیجه، در آزادی اقتصادی نیز محدودیت‌هایی وجود دارد. فعالیت اقتصادی در جامعه اسلامی آزاد است؛ اما نه آزاد مطلق، بلکه حدود و مرزهایی دارد. طبیعی است که هر گونه حرکت و فعالیت آزادی، یک حدودی داشته باشد. در آزادی اقتصادی هم حدودی وجود دارد. البته حدود و مرزهای فعالیت اقتصادی در اسلام، متفاوت با حدود فعالیت اقتصادی در نظام سوسیالیستی یا سرمایه‌داری است (بیانات رهبری، ۱۳۶۶/۸/۱۵). در بیانات رهبر معظم انقلاب، سه محدودیت کلی برای فعالیت آزاد اقتصادی وجود دارد.

ممنوعیت کسب‌های حرام و تصرفات حرام: مواردی مثل معاملات ربوی، غرری، اضرار، معامله‌ای که ناشی از درآمدهای نامشروع باشد، احتکار، معامله برخی اجناس ممنوع، معامله انفال و... جایز نیستند (همان، ۱۳۶۶/۸/۱۵).

محدودیت قدرت سرمایه: همان‌طور که بیان شد، در نظام سرمایه‌داری، این صاحبان سرمایه هستند که تعیین‌کننده سیاست‌ها، مسئولان و قوانین هستند. تا این حد قدرت سرمایه در جامعه اسلامی پذیرفته نیست. در واقع در نظام اسلامی، قدرت سرمایه محدود است و اجازه داده نمی‌شود قدرت سرمایه در سرنوشت سیاسی جامعه دخالت کند (همان، ۱۳۶۶/۷/۲۴) و هر چیزی که به قدرت بی‌حد سرمایه منتهی بشود، یک خطر و واجب‌الاجتناب است (همان، ۱۳۶۶/۸/۱۵).

کنترل و نظارت دولت: اسلام در کنار آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی، که به همه افراد جامعه اعطا نموده، نظارت و کنترل دقیق دستگاه حاکمیت را هم لازم دانسته است (همان، ۱۳۶۶/۷/۲۴). در اقتصاد جامعه اسلامی، در کنار حق فعالیت و تلاش اقتصادی آزاد برای همه افراد جامعه، حق کنترل و نظارت برای دولت در نظر گرفته شده است (همان، ۱۳۶۶/۱۰/۱۱). در واقع همه انواع آزادی در جامعه اسلامی، باید به وسیله قدرت حاکم اسلامی در جامعه کنترل و هدایت و نظارت بشود. این کنترل، برای این است که این آزادی به فساد منتهی نشود و این آزادی موجب سلب آزادی دیگران نشود. در آزادی اقتصادی هم همین‌طور است (همان، ۱۳۶۶/۷/۲۴). اگر حق نظارت برای حاکم اسلامی نباشد و مردم بدون نظارت دولت و بدون رعایت سیاست‌های دولت تلاش اقتصادی انجام دهند، این یقیناً در جامعه به ظغیان، ظلم، بغی و فساد منتهی خواهد شد. در نهایت، همان وضعی پیش خواهد آمد که در دنیای

سرمایه‌داری هست. وضعی که در آن سلاطین فولاد، طلا و نفت و صاحبان کمپانی‌های بزرگ از قدرت و ثروت بی‌نهایت برخوردارند و قشر بزرگی از مردم از اولیات زندگی محرومند (همان، ۱۳۶۶/۱۰/۱۱). اگر نظارت دولت اسلامی و حاکمیت اسلام نباشد، قانون اسلامی نیز به خودی خود، نمی‌تواند معجزه کند. قانون هنگامی مؤثر است که بالای سر قانون، یک دست قوی و نیرومندی باشد و آن دولت اسلامی است. در زمینه مسائل اقتصادی هم عیناً همین قدرت و همین حاکمیت متعلق به دولت و حاکم نظام جمهوری اسلامی است. در واقع غیر از دستگاه قانون‌گذاری که قانون وضع می‌کند و غیر از قوه قضاییه که وقتی شکایتی یا تخلفی از قانون بشود، به سراغ متخلف خواهد رفت و اگر جرم و جنایتی انجام بگیرد، مجرم را مجازات خواهد کرد، دولت اسلامی هم با اعمال قدرت و با حضور دایمی و با رابطه مستمر با قشرهای مردم، باید از تخلفات آنها جلوگیری کند. دولت به عنوان مجری قانون باید دستش باز باشد و توان اعمال قدرت داشته‌باشد تا قانون براحتی زیر پا گذاشته نشود (همان، ۱۳۶۶/۱۰/۱۱).

مسئولیت‌های مردم ناشی از آزادی اقتصادی

در اقتصاد اسلامی، به مقتضای آزادی اقتصادی، مسئولیت امور اقتصادی جامعه و سنگینی بار امور اقتصادی جامعه بر دوش مردم است. در کشورهای سوسیالیستی، که دولت همه کارخانجات، زمین‌ها و دستگاه‌های تولید ثروت را در اختیار دارد، مردم کارمندان دولت هستند. اما در نظام اسلامی این‌گونه نیست و مردم در قبال آزادی اقتصادی، مسئولیت‌هایی بر دوش دارند. در نظام اسلامی، اداره امور نیازهای اقتصادی و پر کردن خلأهای اقتصادی مستقیماً بر دوش ملت و مردم است. این یک اصل اسلامی است. بحث مسئولیت عمومی در مقابل نیازهای عموم جامعه اسلامی، یک حکم اخلاقی نیست، بلکه وظیفه و تکلیف است. این اصل اسلامی را می‌توان در کلمه انفاق خلاصه نمود. آیات فراوان مربوط به انفاق در قرآن، برای بیان یک حکم اخلاقی نیست، بلکه بیان‌کننده یک فریضه شرعی است؛ زیرا لحن «انفقوا» در قرآن همان لحن «جاهدوا فی سبیل الله» است (بیانات رهبری، ۱۳۶۶/۷/۲۴). از این رو، جمع ثروت و عدم انفاق از نظر اسلام یک ضد ارزش و گناه و شاید یک گناه کبیره است. این طور نیست که چون کار با سرمایه جایز و مباح است، پس انسان حق دارد - ولو از طرق مشروع و حلال - ثروتی را جمع کند و آن را نگه دارد، در حالی که جامعه به ثروت و امکانات او احتیاج دارد. عدم انفاق منفور و مذموم است و اگر با جمع ثروت همراه باشد، حرام است (همان، ۱۳۶۶/۸/۱۵). در جامعه اسلامی این‌طور نیست که کسانی کسب مال و ثروت کنند و تصور کنند آنچه دارند، «أنا اوتیتوه علی علم» (قصص: ۷۸)؛ قارون گفت: این مال و ثروت فراوان به علم و تدبیر خودم به من داده شد! حرف قارون را بزنند، بلکه در منطق اسلام، مسئله این است که همه موظفند به نیازهای اجتماعی کمک کنند و همچنانی که جهاد با نفس واجب است، جهاد با مال هم واجب است (بیانات رهبری، ۱۳۶۶/۸/۲۹). البته چون همه مردم در یک سطح نیستند، آن کسانی که بهره‌مندی و امکانات بیشتری دارند، تکلیف بیشتری نیز بر عهده دارند. در واقع تکلیف به تناسب امکانات و بهره‌مندی‌ها است (همان، ۱۳۶۶/۷/۲۴).

از نظر رهبری انقلاب، برای اینکه در جامعه تعادل ثروت به وجود بیاید، جامعه دوقطبی از لحاظ ثروت نشود و فقر، اسراف و فساد مالی به وجود نیاید، بهترین راه و موفق‌ترین شیوه‌ها انفاق است (همان، ۱۳۶۶/۸/۲۹).

بهترین راه تأمین آزادی اقتصادی

از نظر رهبر معظم انقلاب،

بهترین راه تأمین آزادی اقتصادی در یک جامعه اسلامی، این است که اولاً، حکومت اسلامی و دولت اسلامی سیاستی اتخاذ و قوانینی وضع کنند که بر طبق آن، همه افراد در جامعه اسلامی قادر باشند آزادانه فعالیت اقتصادی انجام دهند. دوماً، امکانی در جامعه به وجود بیاید که اغلب افراد جامعه، بیشتر قشرهای جامعه یا همه کسانی که قدرت کار دارند، بتوانند از امکانات طبیعی، زمین، دریا، انفال، دشت‌ها، مراتع استفاده کنند و از انحصار جلوگیری شود. سوماً، همه قشرهای مردم از فعالیت اقتصادی خود بتوانند بهره‌مند شوند (۱۳۶۶/۷/۲۴).

تعریف آزادی اقتصادی براساس بیانات رهبری

با توجه به آنچه گذشت، تعریف آزادی اقتصادی در اسلام عبارت است از: شرایطی که همه افراد جامعه در چارچوب مشخص بتوانند آزادانه فعالیت اقتصادی انجام دهند. از امکانات طبیعی بهره‌مند شوند و از فعالیت اقتصادی خود بهره‌مند شوند.

در جدول زیر آزادی اقتصادی در غرب و اسلام مقایسه شده است:

جدول ۲: مقایسه آزادی اقتصادی در اسلام و سرمایه‌داری

آزادی اقتصادی در اسلام	آزادی اقتصادی در غرب	منشأ آزادی اقتصادی
توحید	تمایلات سرمایه‌داران	تعریف آزادی اقتصادی
شرایطی که همه افراد جامعه در چارچوب مشخص بتوانند آزادانه فعالیت اقتصادی انجام دهند؛ از امکانات طبیعی بهره‌مند شوند و از فعالیت اقتصادی خود بهره‌مند شوند.	آن کسانی که قدرت فعالیت و مانور اقتصادی دارند، آزادند، هر چه خواستند تولید کنند، هر طور خواستند عرضه کنند، هر وقت خواستند توزیع کنند، هر طور خواستند بفروشند، هر طور خواستند مصرف کنند.	آزادی اقتصادی برای
برای همه افراد	سرمایه‌دارها	نتایج آزادی اقتصادی
بهره‌مندی همه افراد از فعالیت اقتصادی خود	نابرابری و سرمایه‌سالاری	محدودیت‌های آزادی اقتصادی
ممنوعیت مکاسب محرمه، کنترل، هدایت و نظارت دولت، ممنوعیت سرمایه‌سالاری	قانون برخاسته از تمایلات سرمایه‌داران	بهترین راه تحقق
اقتصاد مردم‌بنیان	بازار آزاد	

(منبع: یافته‌های پژوهشی)

روشن است تحقق آزادی اقتصادی با تعریف و ویژگی‌های ذکر شده، نیاز به ساختارهای اقتصادی متناسبی دارد و در ساختار اقتصادی سرمایه‌داری قابل تحقق نیست. با توجه به تعریف ارائه شده، بهترین راه تحقق آزادی اقتصادی، تحقق اقتصاد مقاومتی است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین بنیان‌های اقتصاد مقاومتی، مردمی بودن آن است. از نظر رهبر معظم انقلاب:

اقتصادی که به‌عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. اما «دولتی نیست»... کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است (بیانات رهبری، ۹۳/۱/۱).

تحقق آزادی اقتصادی در ساختار نظام اقتصادی اسلام

برای فعالان اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام، چهار هدف قابل تصور است: پیگیری اهداف مادی خود، پیگیری منافع عمومی، پیگیری اهداف مادی دیگران و اخروی خویش و پیگیری اهداف مادی خود و سایرین. نکته قابل ملاحظه در مورد این اهداف، این است که پیگیری هر یک از این اهداف، نیاز به یک بخش اقتصادی دارد (یوسفی، ۱۳۹۰). در واقع برای پیگیری هدف اول، بخش خصوصی، هدف دوم، بخش دولتی، هدف سوم، بخش خیرخواهانه و هدف چهارم بخش تعاون طراحی شده است. ضرورت اندازه بهینه دولت و کارآمدی آن در امور حاکمیتی (سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت)، بر کسی پوشیده نیست. همان‌طور که بیان شد، نقش دولت در تحقق آزادی اقتصادی، کنترل، هدایت و نظارت بر آزادی اقتصادی است. اما ورود بخش خصوصی به اقتصاد، تا چه حد تضمین‌کننده تحقق آزادی اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام است؟ در بخش خصوصی، مطابق تابع تولید، $Q=f(K,L)$ ، بخش اعظم محصول تولیدی Q و همچنین، مدیریت فرایند، متعلق به سرمایه و صاحب آن است و نیروی کار تنها از دستمزد بهره‌مند می‌شود (همان). بنابراین، این نوع سهم‌بری عوامل موجب تجمع ثروت در دست صاحبان سرمایه می‌شود. البته لازم به یادآوری است با توجه به ضرورت‌های اجتماعی و همچنین، حفظ منافع بلندمدت صاحبان سرمایه، نظام سرمایه‌داری راه‌حلی برای کاهش این نتایج در نظر گرفته، ولی این راهکارها، تنها به‌عنوان مسکن اثرگذار بوده‌اند و توانایی برطرف نمودن این مشکل را نداشته‌اند. برای حل این مشکل و جلوگیری از نتایج شوم آن، باید ساختار اقتصادی اصلاح شود.

البته باید توجه داشت که فعالیت بخش خصوصی، در نظام اقتصادی اسلام تأیید شده و سود حاصل از به کارگیری سرمایه در امور اقتصادی نیز بدون اشکال است. رهبری در این مورد می‌فرماید:

نفس داشتن سرمایه و به کار انداختن سرمایه برای پیشرفت کشور، چیز بدی نیست؛ چیز ممدوحی است... آنچه که مذموم است، این است که سرمایه و سرمایه‌داری محور همه تصمیم‌های کلان یک کشور و یک جامعه باشد؛ همه چیز را به سمت خودش بکشند... اما اینکه نه، کسانی دارای سرمایه باشند، سرمایه را در خدمت رشد جامعه بگذارند - البته سرمایه‌دار سود هم خواهد برد؛ هم آن کار خوب است، هم آن سود حلال است - هیچ اشکالی ندارد... بنابراین کلمه «سرمایه» و کلمه «سرمایه‌دار» به‌هیچ‌وجه چیز مذمومی نیست... نمی‌شود هم کسی بگوید آقا سرمایه طبیعتش سوءاستفاده است. نخیر، اینجوری نیست. می‌توان با مقررات درست، با مدیریت صحیح، سرمایه را در جهت درستی هدایت کرد و راه برد (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۵/۱۶).

همان‌طور که از کلام رهبری روشن است، فعالیت بخش خصوصی، مورد تأیید است، اما نکته اینجاست که این بخش، تنها بخش غیردولتی فعال در اقتصاد نیست. در واقع سرمایه در اقتصاد باید، نقش و جایگاه خودش را داشته باشد و بخش خصوصی، قسمتی از این نقش را ایفا می‌کند. رهبری در مورد افراط و تفریط در مورد نقش سرمایه می‌فرماید:

استحکام کار را خدا از ما خواسته است، احترام به کارگر را هم خدا از ما خواسته است. امنیت زندگی و شغلی کارگر را خدا از ما خواسته است. امنیت سرمایه را هم خدا از ما خواسته است. اینها وقتی در کنار هم مورد ملاحظه قرار بگیرند، این افراط و تفریطهایی که با نام‌های گوناگون به وجود آمد، چه در منطقه فعالیت اقتصاد لیبرال و به قول خودشان آزاد... و چه در عرصه سوسیالیسم، به وجود نمی‌آید (بیانات رهبری ۱۳۹۲/۲/۷).

بنابراین، تا اینجا روشن شد که بخش خصوصی، مورد تأیید نظام اقتصادی اسلام است، ولی با توجه به ویژگی‌هایی که دارد، به تنهایی قادر به برآورده ساختن آزادی اقتصادی، آن‌گونه که مورد نظر اسلام است و در کلام رهبری به آن اشاره شد، نمی‌باشد. در خصوص هدف سوم، فعالان اقتصادی و بخش خیرخواهانه نیز در قسمت وظیفه مردم نسبت به آزادی اقتصادی بحث شد. در واقع این بخش، تأمین‌کننده نقش آفرینی مردم در قبال آزادی اقتصادی است. بخش اقتصادی متکفل هدف چهارم که عبارت بود از: پیگیری منافع مادی خود و سایرین، بخش تعاون است. این بخش که مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی، یکی از بخش‌های نظام اقتصادی جمهوری اسلامی است، دارای اهداف و اصول خاصی است. در این بخش، این سرمایه نیست که تعیین‌کننده میزان مدیریت فرایند است، بلکه هر نفر یک رأی دارد. همچنین، نیروی کار از دستمزد، مازاد برگشتی و سود متناسب با سرمایه بهره‌مند است. رهبری تعبیر مهمی را در خصوص بخش تعاونی بیان نموده‌اند که به یک مورد از آنها اشاره می‌شود. از جمله در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی در خصوص آزادی اقتصادی، ضمن تبیینی از آزادی اقتصادی در غرب، تعاون را مقابل آن قرار می‌دهند:

در غرب، امروز آزادی اقتصادی به همین شکلی است که آقایان اینجا اشاره کردند. در حوزه اقتصادی، تصاحب موقعیت‌های اقتصادی به وسیله اشخاص معدود. اگر کسی توانست با زرنگی یا با تقلب یا با هر شکل دیگری، خودش را به باشگاه توانگران اقتصادی برساند، همه چیز مال اوست... درست نقطه مقابل آنچه که برادر عزیزمان می‌خواهند با تعاونی‌ها درست کنند، که همه حق مدیریت داشته باشند، ولو یک سهم داشته باشند (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۸/۲۳).

همچنین، در بندهای مختلفی از سیاست‌های کلی نظیر اصل ۴۴ قانون اساسی (تاریخ ابلاغ: ۸۴/۳/۱)، سیاست‌های کلی نظام در امور تشویق سرمایه‌گذاری (تاریخ ابلاغ: ۸۹/۱۱/۲۹)، سیاست‌های کلی اشتغال (تاریخ ابلاغ: ۹۰/۴/۲۸)، سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی (تاریخ ابلاغ: ۹۱/۱۱/۲۴) مورد تأکید قرار گرفته است. نکته قابل ملاحظه اینکه این بخش با توجه به اهمیت، آن‌گونه که شایسته است، مورد توجه قرار نگرفته است. برای نمونه، طبق بند اول بخش ب اصل ۴۴ قانون اساسی، باید تا سال آخر برنامه پنجم، سهم بخش تعاون از اقتصاد کشور به ۲۵٪ می‌رسید.

نتیجه‌گیری

نظام‌های اقتصادی گوناگون براساس مبانی خود، تعریف خاصی از آزادی اقتصادی ارائه داده‌اند و برای تحقق آن نوع آزادی تلاش کرده‌اند. نظام اقتصادی اسلام هم با توجه به مبانی و آموزه‌های دینی، نوع خاصی از آزادی اقتصادی را منظور کرده است. با توجه به اهمیت موضوع، رهبر معظم انقلاب، توجه کاملی به این موضوع داشته‌اند و آن را از جهات گوناگون در بیانات خود مطرح نموده‌اند. در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل مضمون، شبکه مضامین آزادی اقتصادی، براساس بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی استخراج شد. در این فرایند، ۴۲ فیش، ۳۳ مضمون پایه، ۱۲ مفهوم سازمان‌دهنده و ۵ مضمون فراگیر استخراج شد. مضامین فراگیر عبارتند از: اهمیت تعریف آزادی اقتصادی در اسلام، منشأ آزادی اقتصادی در اسلام و غرب، نتایج حاصل از آزادی اقتصادی در غرب، دلایل آزادی اقتصادی در اسلام و ویژگی‌های آزادی اقتصادی در اسلام. راه تحقق این نوع آزادی اقتصادی، در واقع مردمی شدن اقتصاد است. از این طریق، نه تنها آزادی اقتصادی موردنظر اسلام در جامعه محقق می‌شود، بلکه بسیاری از مشکلات اقتصادی نظیر فقر، شکاف طبقاتی، دولتی بودن اقتصاد، بهره‌وری پایین اقتصاد و... نیز برطرف خواهند شد. بنابراین، مهم‌ترین مسئله پیش‌رو، چگونگی مردمی کردن اقتصاد و برنامه‌ریزی جهت تحقق آن است. همچنین بی‌شک می‌توان از مجموعه بیانات رهبری در موضوع آزادی اقتصادی، یک نظریه استخراج نمود که مطالعه دیگری می‌طلبد و می‌توان این نتیجه را نیز گرفت که ظرفیت استخراج نظریه از بیانات رهبری وجود دارد.

منابع

- آتش‌بار، توحید و رضا زمانی، ۱۳۹۳، «خلاصه و نقد کتاب سرمایه در قرن بیست و یکم»، در: *گزارش شماره ۴+۱۳۸۰*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- بیرجام، اما و جان چارلتون، ۱۳۸۳، *ضد سرمایه‌داری*، ترجمه اقبال طالقانی. تهران، قطره.
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲، *مبانی اقتصاد اسلامی*، چ هفتم، تهران، سمت.
- تارو، لستر، ۱۳۷۶، *آینده سرمایه‌داری*، ترجمه عزیز کیاوند، تهران، دیدار.
- جانسون، برایان و همکاران، ۱۳۷۹، «شاخص آزادی اقتصادی»، ترجمه محمدابراهیم امین، *برنامه و بودجه*، ش ۴۸، ص ۱۰۵-۱۳۴.
- حق پناه، رضا، ۱۳۷۸، «آزادی در آینه کلام رهبری»، *پژوهش‌های اجتماعی، اسلامی*، ش ۲۰، ص ۱۸-۲۶.
- خادم علیزاده، امیر، ۱۳۷۸، «نقد و بررسی آزادی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری»، *کتاب نقد*، ش ۱۱، ص ۱۰۶-۱۴۵.
- خسروشاهی، هادی، امام علی (ع) صدای عدالت انسانی، کتابخانه دیجیتال نور.
- رجائی، سید محمدکاظم، ۱۳۷۴، آزادی اقتصادی یا دخالت دولت، مجله معرفت، ش ۱۴.
- سلیمی، حسین، ۱۳۹۰، «جنبش اشغال وال استریت در آینه واقعیت»، *مطالعات آمریکا*، پیش شماره ۴، ص ۳۳-۵۲.
- سینزوود، الن میک، ۱۳۸۷، *امپراتوری سرمایه*، ترجمه حسن مرتضوی، مشهد، نیکا.
- علی‌پور گرجی، محمود، ۱۳۹۰، «بررسی آزادی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۲۷، ص ۱۹۹-۲۲۶.
- لنسکی، گرهاردو جین، ۱۳۶۹، *سیر جوامع بشری*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۷، «آزادی و مسئولیت‌های اقتصادی مردم از دیدگاه اسلام»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۳۲، ص ۳۷-۶۲.
- نصیری، علی اصغر و نجف لک‌زایی، ۱۳۹۶، «بررسی نسبت بین امنیت سیاسی و آزادی اقتصادی در اندیشه رهبر معظم انقلاب»، *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، ش ۳، ص ۹۷-۱۱۳.
- یوسفی، احمدعلی، ۱۳۹۰، «ظرفیت آموزه‌های اسلامی در تأسیس بخش‌های اقتصادی، با تأکید بر اقتصاد بخش تعاونی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۱، ص ۱۰۱-۱۳۰.

Oxfam report, Reward work, not wealth, 2018.